حیاۃ القلوب
نویسندہ:
علامہ محمد باقر مجلسی
جلد(۵)

حیاۀ القلوب

نویسنده:

علامه محمدباقربن محمدتقی مجلسی (ره)

ناشر چاپی:

اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شد، او خلیفه و جانشین من خواهد بود. چون روز چهارم شد هر یک از صحابه در حجره خود نشسته انتظار نزول ستاره می‌کشیدند، ناگاه ستاره‌ای از آسمان جدا شد که عالم را روشن کرد و در دامن حضرت امیر حیاة القلوب، ج‌۵، ص: ۳۷۶ المؤمنین علیه السّلام فرود آمد، پس منافقان گفتند: و اللّه این مرد گمراه شده است در محبت پسر عمّش و آنچه در حقّ او می‌گوید به خواهش خود می‌گوید، پس نازل شد وَ النَّجْمِ إِذا هَوی «سوگند یاد می‌کنم به ستاره در هنگامی که فرود آمد» ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی «گمراه نشده صاحب شما و خطا نکرد» وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی «و نمی‌گوید سخن از خواهش نفس خود» إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی «۱» «نیست نطق او مگر وحی که نازل می‌شود بر او» «۲». و ابن ماهیار روایت کرده است که: ابن کوّا از حضرت امیر علیه السّلام پرسید از تفسیر قول الهی فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ. الْجَوارِ الْکُنَّسِ یعنی: «قسم نمی‌خورم یا می‌خورم به ستاره‌های رجوع کننده، رونده پنهان شونده»، حضرت فرمود که: «خنّس» گروهی‌اند که پنهان می‌کنند علم اوصیای پیغمبر را و مردم را به مودّت غیر ایشان خوانند، و «جواری» ملائکه‌اند که جاری شوند به علم بسوی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، و «کنّس» اوصیای پیغمبرند که علم او را جاروب کنند و جمع نمایند؛ وَ اللَّیْلِ إِذا عَسْعَسَ فرمود که: مراد ظلمت شب است و مثل زده است برای کسی که به ناحق دعوی امامت برای خود کند؛ وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ «۳» فرمود که: کنایه از علم اوصیاء است که علم ایشان از صبح روشنتر و ظاهرتر است «۴». و احادیث بسیار وارد شده است در تفسیر «خنّس» که: مراد امامی است که پنهان می‌کند خود را از مردم پس ظاهر می‌شود مانند شهاب درخشنده در شب تار «۵». و خدا می‌فرماید وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ «۶» مفسران گفته‌اند که: یعنی حیاة القلوب، ج‌۵، ص: ۳۷۷ حق تعالی قرار داد از برای شما علامتی چند در زمین از کوهها و غیر آنها که راهها را به آنها بدانند و به ستاره‌ها هدایت یابند در شبها یا به ستاره جدی هدایت می‌یابند بسوی قبله «۱». و کلینی و علی بن ابراهیم و عیاشی و شیخ طوسی در مجالس و ابن شهر آشوب در مناقب و شیخ طبرسی و دیگران احادیث بسیار از حضرت باقر و صادق و رضا علیهم السّلام روایت کرده‌اند که: علامات، ائمه علیهم السّلام‌اند که نشانهای راه دینند؛ و نجم، حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است «۲». و ظاهر اکثر احادیث آن است که ضمیر «هم» و ضمیر «یهتدون» راجع است به «علامات» یعنی ائمه علیهم السّلام به حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هدایت می‌یابند. و عیاشی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که: این آیه را ظاهری و باطنی هست، ظاهرش آن است که به ستاره جدی هدایت می‌یابند بسوی قبله در دریا و صحرا زیرا که آن از جای خود حرکت نمی‌کند و پنهان نمی‌شود، و باطنش آن است که ائمه علیهم السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هدایت می‌یابند «۳». و در بعضی از روایات وارد شده است که: نجم، حضرت امیر علیه السّلام است «۴». و از حضرت امام رضا علیه السّلام منقول است که: حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: یا علی! توئی نجم بنی هاشم «۵». و حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود که: خدا ستاره‌ها را امان اهل آسمان گردانیده، و اهل بیت مرا امان اهل زمین گردانیده «۶».

فصل نوزدهم در بیان آن است که آنها حبل اللّه المتین و عروة الوثقی و امثال اینهایند؛

و در این باب آیات بسیار است آیه اول: فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقی لَا انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ «۱» یعنی: «پس هر که کافر شود به طاغوت و ایمان آورد به خدا پس بتحقیق که چنگ زده است به دست آویز محکم که گسستن نیست آن را و خدا شنوا و دانا است»؛ بدان که طاغوت را اطلاق می‌کنند بر شیطان و بت و هر معبودی بغیر از خدا و هر پیشوائی در باطل. و در بسیاری از روایات و زیارات ائمه علیهم السّلام تعبیر کرده‌اند از ابو بکر و عمر و عثمان و سایر اعدای دین به جبت و طاغوت و لات و عزّی، و ابو بکر و عمر را دو صنم قریش نامیده‌اند «۲». و از حضرت صادق علیه السّلام منقول است که:
دشمن ما در کتاب خدا، فحشا و منکر و بغی و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت است «۳». و کلینی به سند موثق از حضرت صادق علیه السّلام روایت نموده است که: عروه وثقی، ایمان حیاة القلوب، ج‌۵، ص: ۳۷۹ است «۱». و به سند صحیح دیگر روایت کرده

است که: ایمان به خداوند یگانه است که شریک ندارد «۲». و به سند معتبر در محاسن از آن حضرت روایت نموده است که: عروه وثقی، توحید است «۳». و ابن شهر آشوب به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت نموده است که: عروه وثقی، محبت ما اهل بیت است «۴». و در عیون اخبار الرضا از آن حضرت روایت نموده است که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر که خواهد سوار شود در کشتی نجات و متمسک شود به عروة الوثقی و چنگ زند در حبل متین خدا، پس موالات و دوستی کند با علی بعد از من و دشمنی کند با دشمنان او و پیروی کند امامان هدایت‌کننده از فرزندان او را «۵». و ایضا به سندهای معتبر از آن حضرت روایت نموده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر که دوست دارد که چنگ زند در عروة الوثقی باید که متمسک شود به محبت علی علیه السّلام و اهل بیت من «۶». و ایضا روایت نموده است که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: امامان از فرزندان امام حسین علیه السّلام، هر که اطاعت آنها کند بتحقیق که اطاعت خدا کرده است و هر که معصیت آنها کند معصیت خدا کرده است، ایشانند عروه وثقی و ایشانند وسیله بندگان بسوی خدا «۷». حیاة القلوب، ج۵، ص: ۳۸۰ و به سند دیگر روایت نموده است که: قرآن عروه وثقی است «۱». و ایضا به سند معتبر روایت نموده است که: حضرت امام رضا علیه السّلام برای مأمون نوشت محض اسلام و شرایع دین را، از آن جمله نوشت که: خالی نمی‌شود زمین از حجت خدا بر خلق در هر عصر و زمان و آنهایند عروه وثقی و ائمه هدی و حجت اهل دنیا تا قیامت «۲». و در کتاب توحید روایت نموده است که حضرت امیر علیه السّلام فرمود که: منم حبل اللّه المتین و عروة الوثقی «۳». و در کمال الدین روایت کرده از امام رضا علیه السّلام که فرمود: مائیم حجتهای خدا در میان خلق او و کلمه تقوی و عروه وثقی «۴». و در کتاب معانی الاخبار از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که: هر که خواهد متمسک شود به عروه وثقی که گسستن ندارد، باید که متمسک شود به ولایت برادر من و وصیّ من علی بن ابی طالب، بدرستی که هلاک نمی‌شود هر که او را دوست دارد و اعتقاد به امامت او کند، و نجات نمی‌یابد کسی که با او دشمنی و عداوت کند «۵». و در کتاب تأویل الآیات از حضرت امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود که: هر که خواهد چنگ زند در عروه وثقی پس باید که متمسک شود به محبت علی «۶». و به روایت دیگر: باید متمسک شود به محبت ما اهل بیت «۷». و به روایت دیگر از زید بن علی روایت کرده که: عروه محکم، مودّت آل محمد حیاة القلوب، ج۵، ص: ۳۸۱ است «۱». آیه دوم: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا «۲». آیه سوم: ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ ما ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ «۳». ترجمه آیه دوم: «و چنگ زنید به ریسمان خدا همگی و پراکنده مشوید». ترجمه آیه سوم: «زده شد بر ایشان ذلت و خواری مگر به حبلی از خدا و حبلی از مردم»؛ اکثر گفته‌اند که: یعنی به عهدی از خدا و عهدی از مردم «۴». و عیاشی روایت کرده است که: از حضرت امام موسی علیه السّلام پرسیدم از تفسیر قول خدا وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً فرمود که: علی بن ابی طالب حبل اللّه المتین است، یعنی ریسمان محکم خداست «۵». و به سند معتبر دیگر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده است که: آل محمد علیهم السّلام حبل خدایند که در این آیه مردم را امر فرموده که چنگ زنند در آن «۶». و از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که: مائیم حبل خدا «۷». و علی بن ابراهیم روایت کرده است که: حبل اللّه، توحید خداست و ولایت اهل بیت علیهم السّلام «۸». و ایضا روایت کرده است از حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر قول الهی وَ لا تَفَرَّقُوا که فرمود: خدا می‌دانست که این امّت متفرق خواهند شد بعد از پیغمبر خود و اختلاف خواهند کرد، پس نهی کرد ایشان را از پراکنده شدن چنانچه نهی کرد جماعتی را که پیش حیاة القلوب، ج۵، ص: ۳۸۲ از ایشان بودند، پس امر کرد ایشان را که مجتمع شوند بر ولایت آل محمد علیهم السّلام و متفرق نشوند «۱». و عیاشی از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که: حبل از خدا، کتاب خداست؛ و حبل از ناس، علی بن ابی طالب علیه السّلام است «۲». و در مجالس شیخ طوسی و مناقب ابن شهر آشوب از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که: مائیم حبل «۳».

فصل بیستم در تفسیر حکمت به معرفت ائمه علیهم السّلام و اولو النهی به ایشان